

۱. با صراحت و محکم بگو، بلد نیستی، نمی‌دانم، آیاتی هست که می‌گوید نمی‌دانم: «سبحانك لا علم لنا...».

۲. مخاطب را به نحو احسن بشناسیم و مطابق نیاز او صحبت کنیم.

۳. کلاس‌داری، تبلیغ یا سخنرانی ۲۰ دقیقه، حداکثر نیم ساعت باشد و الا مستمعین خسته می‌شوند.

۴. کلیاتی را که همه قبول دارند نشانه نگیرید؛ مثلاً نگویید که سینما بد است، در این گونه موارد، جزئیات بد را بیان کنید، بگویید فیلم بد، بد است.

۵. با فطرت جنگ نکنید و در برابر فطرت نایستید و با آن مخالفت نکنید.

۶. در برخورد با دیگران بر محرمات حساس نشوید و بر مکروهات هم حساسیت نشان ندهید. مثلاً نگویید، آقا! چرا نماز نخواندی؟ چرا فلان کار زشت را انجام دادی؟ بلکه اول از صفات خوب او

شروع کنید.

۷. چیزهایی که در ذهن مردم ارزش است، آن را ضدارزش جلوه ندهید.

۸. مطلب و محتوا به گونه‌ای باشد که عامه مردم بفهمند و خواص نیز پسندند.

۹. همیشه از راه مثبت بحث را پیش بگیریم، مثلاً بگوییم زندگی پس از مرگ.

۱۰. در تبلیغ از قصه شروع کنید، مانند قرآن. مثل سوره یوسف. قصه را هم که می‌گویید، حرکات مناسب با قصه باشد، تن صدا، آهنگ و لحن با آن قصه تطبیق بکند.

۱۱. مواظب خناس‌ها در کلاس‌ها و سخنرانی‌ها باشید و مواظب باشید که به شما خط ندهند. (بدم کذب: جوسازی)

۱۲. در مقابل انتقاد افراد چه کنیم؟ ببینیم چه کسی خبر آورده است؟ اگر قضیه‌ای که برای ما نقل کرده ثابت شد به مسئولان قضایی خبر دهیم و اگر

ثابت نشد اعتنا نکنیم.

۱۳. آفت‌شناسی و آسیب‌شناسی؛ آفت‌ها و آسیب‌های مسیر را بشناسید و بشناسانید تا موانع کار برطرف شود.

۱۴. اسلام را از مسلمان‌ها جدا کنید: اسلام شیء والمسلم شیء آخر. حساب خرافات را از حق جدا کنیم.

۱۵. آنچه که در تبلیغ نقل می‌کنید عقلی و قطعی باشد و یا نقل قطعی باشد؛ مثل قرآن یا روایات قطعی.

۱۶. از عرفا چیزی نقل نکنید؛ چون مستند به آیات و روایات نیست و آنها هرچه بگویند شاید برای خودشان حجت باشد ولی برای دیگران نمی‌تواند حجت باشد.

۱۷. روی اخلاقیات تکیه کنید که مستند به آیات و روایات است.

۱۸. بر خواب تکیه نکنید و در سخنرانی خواب

تبلیغ

نکات کاربردی

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی



را بیان نکنید.

۱۹. دین تان، سخنرانی و تبلیغ تان را از قرآن بگیرد و سپس از روایات قطعی.

۲۰. اگر خط تان خوب نبود از آن استفاده نکنید و بلکه فقط روی خطابه و کلمات توجه کنید.

۲۱. تبلیغ بر چند نوع است:
الف) تبلیغ سمعی: نوار؛ اویسکم و من بلغه کلامی.

ب) تبلیغ بصری: کاریکاتور، نقاشی.

ج) تبلیغ عملی: کونوا دعاء الناس بغير السنتکم، صلوا کما را یتیمونی اصلی.

د) تبلیغ معنوی: خذ اربعة من الطیر، آهن داغ کردن حضرت امیر برای عقیل برادر خودش.

۲۲. سراغ کارهای پر سر و صدا نروید چون:

الف) مشک پر، سر و صدا ندارد، مشک نیمه خالی، سر و صدا دارد.

ب) پول اسکناس، سر و صدا ندارد، پول خورد، سر و صدا دارد.

۲۳. مبلغ باید قالب ساز باشد نه قالب پذیر.

۲۴. مبلغ در مقابل سیاسی باید سیاسی باشد و همچنین در مقابل افراد دیگر مثل خودشان رفتار کند.

۲۵. کتاب های مهم و بزرگ را خلاصه و بیان کنید.

۲۶. توجه کنید که در تبلیغ از چه طریقی وارد شوید: «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته...» یعنی از طریق شادی وارد شوید.

۲۷. هنگام تبلیغ انگشتر و... نداشته باشید و همچنین قیافه تان درست باشد تا اصل تمرکز یعنی حواس مخاطب پرت نشود.

۲۸. برای تازه نگه داشتن روحیه و رفع خستگی همه آنچه بلد هستند و در کلاس گفتید را، با هم تکرار کنید.

۲۹. به عنوان حکم ثانوی بعضی اوقات بعضی چیزها بر مبلغ حرام می شود. مثلاً خوردن و آشامیدن در خیابان، سیگار کشیدن و...

۳۰. گاهی مسائل را باید با هیجان گفت، پس تبلیغ باید با هیجانات باشد تا طرف مقابل حساس شود.

۳۱. گاهی سکوت هم لازم است و همین سکوت یک کودتا می کند و در طرف انقلاب به

وجود می آورد.

۳۲. در تبلیغ و سخنرانی ها و... از ضرب المثل ها استفاده کنید که مسئله را برای مخاطب خیلی ملموس می کند. مثل من کان له الغنم فله الغرم.

۳۳. اول ملاک درست را در اختیار طرف قرار دهیم. مثلاً کدام شجاع، سخی، عابد و اهل حق است و بعد صاحب آن را بشناسانیم. اعرف الحق تعرف اهله.

۳۴. در مقابل حساس و نامتناسب با تبلیغ مسیر را طفره پرو و مسئله را عوض کن و موضوع را تغییر بده، مثلاً به جای استحضاره، استعاذه بگو و خودت را نجات بده. مثلاً کسی برای خنده و به هم زدن جلسه

بپرسد استحضاره چیست؟ جواب او را با تبدیل کردن کلمه به استعاذه و پاسخ آن از اصل سؤال طفره برو.

۳۵. موضوعات کاربردی را «تابلو» کنیم و در جای مفید بنزیم تا در دید همه باشد.

۳۶. قضیه یا خاطره را گونه ای بیان کنید تا قابل اثبات باشد و در مقابل آن تناقض پیش نیاید، مثلاً بعضی ها را شکنجه کردند نه اینکه فلان کس را شکنجه کردند و این کردند و آن کردند.

۳۷. چیزهایی که غیر طبیعی باشد روح نمی پذیرد و قابل اثبات نیست، پس آن را نگویند چون انسانی که مادیات غیر طبیعی را قبول نمی کند در معنویات به طریق اولی غیر طبیعی را نمی پذیرد.

۳۸. آنچه می گوئیم یا واجب است یا مستحب، یا نیاز جامعه است و یا نیاز فرد. یعنی غیر از این، موارد دیگر را برای مردم نگویند که مورد نیازشان نیست.

۳۹. ما نباید در بیان، این قدر انشعاب و شاخه شاخه درست کنیم که مخاطب گیج شود.

۴۰. در بیان معارف از «اصطلاحات» نامأنوس و ناآشنا استفاده نکنید.

۴۱. در خداشناسی، به جای خدای موجود، بیش از آن خدای محبوب را ثابت و بیان کنیم.

۴۲. اگر در گفتار بالجمله نمی شود فی الجمله عمل کنید. مواظب باشیم مطابق دهان خودمان و شخصیت مان حرف بنزیم. مثلاً پیرمرد می تواند به دختر جوان عزیزم بگوید ولی جوان نمی تواند. این برای برادرانی که می خواهند تبلیغ کنند، یک سره از خواهرها شروع نکنند.

۴۳. آبرو، درست کردنش یک عمر می خواهد و از بین رفتنش یک دقیقه هم نمی خواهد. لذا مواظب باشیم که آبروی ما به هدر نرود.

۴۴. اگر قیافه مبلغ جذاب و قشنگ باشد باید به

جلسه خواهرها نرود.

۴۵. اگر نگاه به خانمی کردی، عکس او مثل دود در ذهن می ماند و اگر عکس در ذهن ماند بعد مقایسه می کنی با خانم خود و... و این مشکلات بعد به وجود خواهد آورد. لذا از اول در ذهن، عکس کسی را جای مده.

۴۶. هر دروغ گفتنی حرام است. اما هر راست گفتنی واجب نیست. همه چیزها را برای مردم نگویند.

۴۷. در آخر دعا کردن فراموش نشود، آن هم با همان موضوع سخنرانی.

۴۸. اگر به شما موقعیت بدهند مواظب و سوسه ها باشید.

۴۹. در جای پر سر و صدا دنبال کار نگردیم، مهم اخلاص است. بعد منتظر امداد الهی باشیم. یعنی دنبال شهرت و پول و... نباشیم.

۵۰. تحمل و صبر داشته باشید. با تبسم و آرامش و نرمی برخورد کنید. به خصوص در مورد کوچکترها. مثلاً مورچه و حضرت سلیمان.

۵۱. اسلام با سادگی پیش می رود نه با تجملات.

۵۲. باید مطلق باشیم، رنگ تاجر، زن، پول، بازاری به خود نگیریم و وابسته به کسی نباشیم.

۵۳. نهی «الفقیه کل الفقیه» نقل نکنیم. «لیس کل ما

یعلم یقال: الناس اعداء ما جهلوا».

۵۴. در قرآن اگر دو کلمه در کنار هم باشد، اولی حتماً مهم تر است، به آن توجه داشته باشید.

۵۵. از گفتن مسائل با احادیثی مانند «الغیبة اشد من الزنا» بپرهیزید چون مثلاً جوان تصور می کند:

الف) گناه زنا از غیبت کمتر است.

ب) کیفیت زنا بیشتر لذت دارد، پس می رود به سمت گناه زنا.

۵۶. اگر سخنران خوبی باشیم مردم عاشق ما می شوند و ما هم که رفتنی هستیم، اگر سخن قرآنی باشد جذب قرآن می شوند و قرآن هم که ماندنی است.

۵۷. مبلغ باید کار خودش را با عشق و علاقه انجام دهد.

انتقاب و تنظیم از: سیدارشدمسین موسوی دانش آموخته
سطح سوم / رشته علوم قرآن و حدیث / کشمیر